



حقوق فردی و جمعی اعضاء در تعاونیها

مهندس محمدرضا عباسی

مدیران تعاونی دانستند. در زمینه خاستگاه حقوق اعضای تعاونیها، گفتنی است که در این شرکتها، افراد متمول، صاحب قدرت و یا برخوردار از مننه، بهای اجتماعی و اقتصادی نمی‌توانند در فرآیند برنامه‌ریزی و اداره امور اعمال نفوذ کنند و یا نسبت به سایر اعضا انتظار حقوق اقتصادی و اجتماعی بیشتری داشته باشند. همه اعضا دارای حقوق مساوی هستند و دارای رأی مساوی در مدیریت و تصمیم‌گیری می‌باشند. این امر، نشان‌دهنده به رسمیت شناختن حقوق یکسان همه اعضا در مکتب اقتصاد تعاونی است.

اگر شرکت‌های تعاونی شرایطی را فراهم سازند که اعضا علاقه و تمایل مثبت خود را بیش از پیش به همکاری، تعاون و مشارکت در امور و نیز رعایت حقوق خود تداوم بخشند، همواره تنها انسانها حامی و پشتیبان فعالیتهای مدیران تعاونی خواهند بود. در واقع با حمایت اعضا از تلاش مدیران است که یک شرکت تعاونی به موفقیت نایل خواهد شد. یعنی در

را مشخص و روشن می‌سازند. بنابراین، هر تعاونی تنها در راستای تأمین نیاز و سلاقی اعضای خود قادر به تداوم فعالیتها خواهد بود. به علاوه، به دلیل وجود خصلت و روحیه "جمع‌گرایی" و "مدیریت مشارکتی" در تعاونیها، اقتصاد تعاونی اقتصادی سالم، پویا و منصف شده است که از اقبال مردمی برخوردار است.

مطالب بیان شده، تبیین‌کننده، اهمیت حقوق اعضا در اقتصاد تعاونی است. حقوقی که در اصول، فلسفه، حقوق و قوانین بخش تعاون کشور به رسمیت شناخته شده است. در این نوشتار کوشش گردیده است در این باره بحث و بررسی هرچند مختصر ارائه شود.

خاستگاه حقوق اعضا

به نقش اعضا در تعاونیها تا آنجا اهمیت داده شده است که چنانچه هر شرکت تعاونی از جاده تعاون خارج شود می‌توان دلیل اصلی آن را منفعلسدنی اعضا و عدم توجه به حقوق آنان از سوی

اشاره

قوانین و حقوق اقتصاد تعاونی، مدیریت و رهبری شرکت‌های تعاونی را به عنوان حقوق حقه "اعضا" پذیرفته و انشاء نموده است. به دیگر سخن، "اعضا" در هر تعاونی "قدرت واقعی" را در دست دارند و این حقوق بی‌بدیل آنان چنان گسترده و عمیق است سرنوشت تعاونی را رقم می‌زنند. بر این باور، برخلاف سازمانهای اقتصادی غیرتعاونی، اعضا در رأس "هرم قدرت" قرار دارند.

این واقعیتی است که اعضای تعاونیها لایق داشتن این حقوق بی‌همتا هستند. زیرا، هر عضو یک سهام دارد و سرمایه‌گذار بنگاه اقتصادی خود می‌باشند و هر شرکت تعاونی نیز محصول سرمایه‌گذاری اعضای آنان است. بدون سرمایه‌گذاری نیز اساساً هیچگونه سازمان و از جمله "شرکت تعاونی" موجودیت نمی‌یابد.

اعضای تعاونیها، همچنین هدفها، نامه‌ها و خطمشی شرکت تعاونی خود



شرکتهای تعاونی را می‌توان به دو دسته اساسی حقوق گروهی و حقوق فردی تقسیم کرد که هر یک از آنها به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

حقوق گروهی

اعضای هر شرکت تعاونی به اتفاق یکدیگر در تمامی امور مشارکت و دخالت دارند. آنان برای تحقق این امر، به موجب قانون برای طرح و تنظیم فعالیتها در مجامع عمومی گردهم می‌آیند و بر پایه بحث و تبادل نظر و ارائه آزادانه آراء و عقاید خود، مرجع عالی تصمیم‌گیری می‌شوند.

به موجب این تعریف، مجموعه وظایفی که قانون تعاون برعهده اعضا گذاشته است تا در تصمیم‌گیری، مدیریت و نظارت بر فعالیتها با مشارکت یکدیگر، دخالت مؤثر و فعال داشته باشند، حقوق جمعی اعضا نامیده می‌شود. بدیهی است که حقوق جمعی و گروهی اعضا نیز در ارتباط با فرآیند تصمیم‌گیریهی مجامع

خواستهای مشروع و منطقی اعضا است. بر این باور، هر "عضو" دارای حقوق قانونی گسترده‌ای است که در صورت برخورداری و نیز بهره‌برداری صحیح و اصولی از آن، نه تنها به نیازهای خود بهتر دست خواهد یافت، بلکه باعث رشد و توسعه فعالیتهای تعاونی ذریبط خواهد شد.

حقوق شناخته شده اعضا

اعضای دارای حقوق متعدد و گوناگونی در فرآیند فعالیتهای شرکتهای تعاونی هستند. اعضا از مرحله شکل‌گیری اندیشه نخستین برای تأسیس شرکت تعاونی تا آخرین لحظه حیات آن دارای حقوق اساسی برای مداخله قانونمند در فعالیتها و مدیریت امور هستند. به موجب قانون، به اعضای هر تعاونی حقوقی اعطاء شده است که رعایت آنها نخستین و اساسی‌ترین وظیفه هر مدیر برای بارز ساختن و زمینه‌سازی بستر بروز آن می‌باشد.

مهمترین حقوق شناخته شده اعضای

صورت عدم حمایت اعضا، مدیران تعاونی هرچه تلاش کنند و پشتکار به خرج دهند و حتی خود را با اصول تعاون سازگار سازند، نتیجه کار آنان ضعیف خواهد بود و حتی ممکن است با شکست مواجه شوند. علت این امر نیز آن است که در مدیریت تعاونیها، مدیران صرفاً مجریان تصمیمات و طرحهای موردنظر اعضا هستند. آنان رأساً و بدون مشورت و موافقت اعضا اجازه ندارند هیچ برنامه و طرحی را به تشخیص خود به اجرا گذارند. بنابراین، مدیریت واقعی، نظارت و حمایت‌کننده فعالیتهای هر تعاونی در اختیار اعضای آن است.

با عنایت به مطالب بیان شده، می‌توان پی برد که بنیان تعاونیها بر ذات و جوهره «عضوگرایی» استوار است. یعنی شرکتهای تعاونی سازمانهایی مردمی هستند که شالوده آنها بر مشارکت و دخالتهای قانونمدارانه اعضا در همه تصمیم‌سازیها گذاشته شده است و رسالت مهم آنها نیز تأمین نیازها و

پس از تنظیم اعتراض کتبی خویش آن را به مدیران تعاونی ارائه کند تا در نخستین جلسه مجمع عمومی مورد رسیدگی سایر اعضا قرار گیرد. این امر دلالت بر آن دارد که غیر از مواردی که در قانون تصریح شده است، بدون دلیل مستند و قانونی، مدیران یک تعاونی حق اخراج هیچ عضوی را ندارند. از سوی دیگر، به موجب قانون تعاونیها "حق اعتراض" برای هر عضو پیش‌بینی شده است.

۳- حق انتخاب شدن

بازوهای مدیریتی شرکتهای تعاونی، هیأت مدیره و بازرسان هستند. براساس قانون تعاونیها، اعضا از بین خود تعدادی را به عنوان نمایندگان خود برای انجام برنامه‌های تعاونی تحت عناوین هیأت مدیره و بازرسان انتخاب می‌کنند و این اعضا در قبال موکلین خود مسؤولند.

براساس قانون تعاریف: "یها هر عضو تعاونی این حق را دارد که خود را برای انتخاب شدن به عنوان عضو هیأت مدیره یا بازرس نامزد کند تا اعضای تعاونی در صورت تمایل به او رأی دهند. پس هیچ فردی نمی‌تواند مانع از نامزد شدن و انتخاب یک عضو برای مدیریت و بازرسی شود.

۴- حق انتخاب کردن

اعضای هر تعاونی حق دارند تا به نحوی مستقل و به دور از هرگونه وابستگی، توصیه و گروه‌گرایی اشخاص را برای مدیریت تعاونی (هیأت مدیره یا بازرسی) از طریق دادن رأی انتخاب کنند و فرد یا افراد مزبور را مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهند.

به علاوه، در فرآیند تصمیم‌گیری مجامع عمومی در بسیاری از موارد نیاز به انتخاب برخی گزینه‌هاست که عمده‌تاً گزینه مطلوب از طریق رأی‌گیری انتخاب می‌شود. در همه موارد، هر عضو به موجب قانون حق دادن یک رأی آزاد و مستقل را دارد. این امر یکی از حقوق شناخته شده اعضای تعاونیهاست.

۵- حق حضور

برای مدیریت جمعی تعاونیها نیاز به

معیارهای پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان.

- حق مشارکت برای تصمیم‌گیری در زمینه تغییرات سرمایه. و....

حقوق فردی

علاوه بر حقوق گروهی، اعضای تعاونیها براساس قوانین تعاونی دارای حقوق فردی منحصر به فردی نیز می‌باشند. مجموعه حقوقی که هر عضو در فرآیند فعالیتهای تعاونی از آن برخوردار است، حقوق فردی وی محسوب می‌شود. بنابراین، در تعاونیها هر عضو، به عنوان یک فرد حقیقی دارای حقوق متعددی است که می‌تواند در طول دوران عضویت در شرکت تعاونی ذریعاً از آنها بهره‌مند شود.

برخی از حقوق فردی اعضای تعاونیها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱- حق اختیار در عضویت

هر عضو این حق را دارد که به میل و علاقه خود، عضویت خویش را در شرکت تعاونی ادامه دهد یا ندهد. هیچ فرد یا مقام و قانونی قادر نیست که اعضای شرکتهای تعاونی را مجبور به تداوم عضویت یا انصراف یا منع از عضویت وادار نماید. همچنین، هیچ فردی نمی‌تواند یک عضو را از شرکت تعاونی اخراج کند مگر به موجب قانون.

با این وصف، هر عضو دارای حق "اختیار" است و به دور از هر وابستگی و گروه‌گرایی تا مادامی که به اصول و قوانین تعاونیها وفادار باشد، یک شخصیت مستقل محسوب می‌شود که می‌تواند برای ادامه عضویت و یا انصراف از عضویت خود، شخصاً تصمیم بگیرد.

۲- حق اعتراض

برخی مواقع احتمال دارد با بروز مسایل و مشکلاتی، مدیران تعاونی تصمیم بگیرند که یک عضو را از شرکت تعاونی اخراج کنند. در این مواقع، به موجب قانون "حق اعتراض" یکی از حقوق شناخته شده عضو اخراجی است. وی می‌تواند به اخراج خود معترض شود و

عمومی متبلور می‌گردد. به دیگر سخن، مجامع عمومی مظهر قدرت حقوقی اعضای هر شرکت تعاونی هستند و تمامی فعالیتهای این مجامع برآیند حقوق جمعی یکایک اعضا است.

با این وصف، مجامع عمومی کانون تبلور قدرت و حقوق جمعی اعضا برای مدیریت و اداره مستقیم امور تعاونی ذریعاً است. در مجمع عمومی هر عضو به شیوه‌ای آزاد، حق شرکت در تصمیم‌گیریها را دارد و هیچ فردی نمی‌تواند حقوق قانونی و شناخته شده او را تضییع کند و در واقع، ممانعت از حضور هر عضو تعاونی و جلوگیری از مشارکت و دخالت او در تصمیم‌گیری و یا ابراز عقیده و اظهارنظر، قانون‌شکنی به حساب می‌آید. می‌توان نتیجه گرفت که در مجمع عمومی هر عضو دارای حقوق شناخته شده‌ای برای همکاری و مشارکت در امور تعاونی است که در زمره حقوق گروهی و جمعی محسوب می‌گردد. برخی از حقوق جمعی اعضا به این شرح است:

- حق مشارکت برای تصمیم‌گیری درباره گزارشها و پیشنهادها حسابرسان.
- حق مشارکت برای تصویب آئین‌نامه‌های معاملات و سایر آئین‌نامه‌های داخلی تعاونی.

- حق مشارکت برای تصمیم‌گیری‌های مربوط به پیشنهادها هیأت مدیره در زمینه سرمایه‌گذاریهای تعاونی.

- حق مشارکت برای تصمیم‌گیری درباره شکایت عضوی که اخراج شده و یا درخواست عضویت وی را هیأت مدیره نپذیرفته است.

- حق مشارکت برای تصمیم‌گیری درباره پیشنهادها هیأت مدیره در زمینه اعتبارت و بودجه درخواستی.

- حق مشارکت برای تصمیم‌گیری درباره عضویت تعاونی در شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی.

- حق مشارکت برای تعیین مواد اساسنامه.

- حق مشارکت برای تعیین خط‌مشی و برنامه‌های آتی تعاونی.

- حق مشارکت برای تعیین بودجه و تصویب آن.

- حق مشارکت برای تعیین ضوابط و

امور آنها از سوی اعضا، مدیریت، نظارت و اجرا می‌شود. به این ترتیب، سازمانهای تعاونی از جمله سازمانهایی هستند که از سوی اعضا و با حضور آنان هویت پیدا می‌کنند.

گرچه ممکن است به نظر برسد که اعضا با داشتن این همه نقش، وظیفه و حقوق زیاد و مؤثر، در اثر هرگونه اشتباه، تعاونی خود را با مشکلات عدیده مواجه خواهند کرد. اما، باید پذیرفت که تفکر جمعی کمتر دچار لغزش و اشتباه می‌شود. ضمن آن که، اعضا به هر حال روش اجرای امور را با کمی تجربه، تمرین و ممارست خواهند آموخت و به تدریج روحیه استقلال، اعتماد به نفس، مدیریت، انضباط و همکاری در آنان رشد و توسعه خواهد یافت و این امر به تقویت و توسعه تعاونی نیز منجر خواهد شد.

به راستی چرا شور و شوق و اقبال عمومی توده‌های گسترده مردم از تعاونیها تا به این اندازه گسترش یافته است و روز به روز این استقبال گسترده‌تر نیز می‌شود؟ در پاسخ می‌توان گفت که یکی از دلایل اصلی آن همانا مدیریت و رهبری جمعی است. زیرا در تعاونیها نقش "انسان" خمیر مایه کلید امور است. در واقع انسان، نقش کارآفرین، اندیشه‌گری، تفکر و تدبیر و برتری بر سرمایه را ایفا می‌کند. سرمایه ابزاری در دست انسان است تا از آن برای نیل به هدفها و برنامه‌های متعالی بهره‌برداری کند. به دیگر سخن، تعاونیها با مشارکت انسانهای همگرا و با هدف مشارکت تشکیل می‌شوند تا از سرمایه‌های اندک خود، سرمایه‌ای بزرگ تشکیل دهند و به یک منبع انسانی و مالی عظیم برای مبارزه با بی‌عدالتی اقتصادی عزم خود را جزم کنند.

لذا، "انسان" در تعاونیها محور همه امور است و خوشبختانه اصول و قانون تعاون، ابزارهای کافی را در اختیار این انسانها (اعضا) قرار داده است تا با منش انسانی و رفتار متعالی خود از عهده این امر خطیر برآیند. این ابزارها و اهرمها، همانا حقوق حقه اعضا است که برای آنها پیش‌بینی شده است.

تعاونی خود آگاهی کامل یابد. این حق برای اعضا نیز پیش‌بینی شده است که از گزارشهای هیات مدیره و بازرسان در ارتباط با مسایل و امور شرکت از طریق طرح در مجامع عمومی آگاهی یابد. از اینرو، نباید هیچ اقدام و تدابیر اجرایی مربوط به تعاونی توسط مدیران از اعضا پنهان بماند. در واقع، پنهان‌کاری و یا مخفی‌کاری در تعاونیها مطرود است تا آنجا که اعضا محق هستند به رسیدگی و تصمیم‌گیری درباره ترانزنامه و حساب سود و زیان تعاونی ذریعاً بپردازند.

۸- حق سرمایه‌گذاری

به موجب قانون تعاون هر عضو می‌تواند علاوه بر سهام اولیه، سهام مازاد بر آن را نیز خریداری کند. همچنین حق دارد که بهای این سهام را به صورت اقساط بپردازد. در واقع، این یک حق شناخته شده است تا اعضا براساس تمایل و توانایی مالی سرمایه خود را در شرکت تعاونی افزایش دهند و در این باره محدودیتی وجود ندارد. البته باید توجه داشت که افزایش سهام باعث ایجاد حق برای رأی بیشتر نمی‌شود.

۹- حق انتقال سرمایه

براساس قانون تعاون، اعضای تعاونی می‌توانند سهام خود را به سایر اعضا انتقال دهند و هیچ فرد یا مقامی نمی‌تواند آنان را از این کار منع کند.

۱۰- حق تعیین سرنوشت تعاونی

یکی از حقوق ارزشمند اعضا، حق تعیین سرنوشت تعاونی است. براساس قانون، اعضا حق دارند در مورد وضعیت آینده و سرنوشت شرکت تعاونی متبوع خویش اظهارنظر کنند و چشم‌انداز آتی آن را دقیقاً روشن و ترسیم سازند. اعضا حق دارند نسبت به ادغام و یا انحلال تعاونی تصمیم نهایی را اتخاذ کنند و هیچ مقام و منصبی حق ندارد آنان را از تصمیم خود باز دارد.

نتیجه‌کلام

شرکتهای تعاونی، سازمانهایی مردمی هستند. زیرا، تمامی برنامه‌ها، خط‌مشی و

انسان در تعاونیها محور همه امور است و خوشبختانه اصول و قانون تعاون، ابزارهای کافی را در اختیار این انسانها (اعضا) قرار داده است تا با منش انسانی و رفتار متعالی خود از عهده این امر خطیر برآیند. این ابزارها و اهرمها، همانا حقوق حقه اعضا است که برای آنها پیش‌بینی شده است.

تشکیل مجمع عمومی است و این مجمع با گردهمایی و تجمع اعضا شکل می‌گیرد. براساس قانون تعاون، تمامی اعضا "حق حضور" در مجامع عمومی را دارند و هیچ فرد یا مقامی نمی‌تواند از حضور آنان جلوگیری کند. به این ترتیب، اعضای تعاونیها با حضور خود در مجمع عمومی، مدیریت جمعی و مشارکتی را به نمایش می‌گذارند.

۶- حق اظهار

همه اعضای تعاونیها حق دارند که آراء، نظرات و پیشنهادات خود را برای بهبود فعالیتها از طریق طرح در جلسات مجامع عمومی بیان کنند. در واقع، این امر دلالت بر ماهیت مردم‌سالاری و ابعاد دموکراسی تعاونیها دارد.

براساس قانون تعاون و نیز اصول و فلسفه تعاون، استبداد و خودکامگی در تعاونیها مطرود و غیرقانونی است. هر عضو در هر زمینه احساس کند که موجب رشد و توسعه امور تعاونی ذریعاً خواهد شد، حق دارد که پیشنهادها و نظریات خود را در مجمع عمومی مطرح کند و با سایر اعضا پیرامون آن به بحث نشیند. بنابراین، حق اظهارنظر یکی دیگر از حقوق بی‌بدیل اعضای شرکتهای تعاونی است که اصولاً موجب رشد و توسعه فعالیت می‌شود.

۷- حق آگاهی

هر عضو حق دارد که از فعالیتهای